



عبدالاحمد فیض

قرارداد تسلیحاتی واشنگتن - ریاض ناقض معیارهای جهانی

فروش سلاح و تجهیزات جنگی بر مبنای معاهدات دوویا چند جانبه و هکذا صدور بی رویه جنگ افزارهای متعارف به رزمندگان مسلح در نبردهای داخلی و دولتهای درگیر در منازعات مسلحانه بدون رعایت اصول و معیارهای پذیرفته شده جهانی و رژیم حقوقی حاکم بر کنترل تسلیحات، از مباحث مهم در حقوق بین المللی مدرن محسوب میگردد. از دید تاریخی در تمام دوران جنگ سرد جهان دو قطبی، فروش سلاح و یا تسلیح بی رویه برخی دولتها و نظام های سیاسی سرکوبگر در نقاط مختلف جهان از سوی قدرتهای اصلی جنگ سرد جریان داشت که از آن در جهت سرکوب گروه های مخالف استفاده شده و چه بسا که انواع تسلیحات دارای قدرت تخریبی وسیع تحت عنوان حمایت از رزمندگان مسلح درگیر در نبردهای داخلی بنام مبارزان ملی و یا جنگجویان مشروع قرار میگرفت که این امر موجب گردید تا در دهه هفتاد و هشتاد سده گذشته بشریت شاهد بی ثباتیهای گسترده، ظهور کانوهای متعدد تشنج و گروه های افراطی در جهان باشند که امروزه بمثابة مخوف ترین شبکه های تروریستی در برابر امنیت و ثبات جهانی قرار گرفته است.

بعد از دهه نود ارسال سلاح به جنگجویان بومی در کشورهای معروض به نبردهای داخلی و هکذا شورشیان و دولت های غیرمسئول و بی ثبات و بخصوص دولتهای که در تجهیز و تسلیح محافل افراطی و تندروان دینی دست داشته و از این گروه ها بمثابة ابزار سیاست خارجی تولید کنندگان سلاح بهره برداری صورت میگیرد، ابعاد گسترده و مضاعف کسب نمود است. از آنجائیکه فروش سلاح بعد از قاچاق مواد مخدر و قاچاق انسان از زمره پردرآمدترین عواید سیاه در سطح بین المللی پنداشته میشود از اینروست که بعد از دولتها، نقش گروه های تبهکار مافیای در رسانیدن انواع تسلیحات به شورشیان و محافل دهشت افکن نیز حجم گسترده بخود گرفته است.

شایان ذکر است که ایالات متحده در ردیف نخست تجارت سلاح و جنگ افزارهای متعارف قرار دارد، که سالانه بیش از (۱۰/۸) میلیون دلار تخمین میگردد، روسیه با (۸/۱) میلیون دلار در ردیف دوم، چین، بریتانیا، آلمان، ناروی و سویدن بالترتیب در ردیف های بعدی جدول فروش تسلیحات متنوع قرار گرفته که بخش قابل ملاحظه ای این سلاح به

کشورهای بی ثبات آسیائی و حوزه اقیانوسیه منجمله پاکستان و کشورهای حوزه خاورمیانه ارسال می‌گردد که اهداف اصلی این دولتها نه صرفاً کسب درآمد سرشار مالی بل مقصود و منویات تجارت کنندگان تعقیب اهداف راهبردی درازمدتی است که متناسب به انکشافات اوضاع ازان سود جسته و در راستای حمایت از دولتهای صورت می‌گیرد که حافظ منافع منطقه‌ای قدرتهای تمویل کننده سلاح محسوب می‌گردد.

بر بنیاد گزارش انستیتوت مطالعات صلح ((سپیری)) در فاصله میان سالهای (۲۰۱۲-۲۰۱۶) حجم صادرات تسلیحات مدرن ساخت ایالات متحده در پنج سال گذشته به خاورمیانه (۸۶) درصد افزایش را نشان میدهد که بیشترین رقم این جنگ افزارها به عربستان سعودی تحویل داده شده است که شامل طیارات مدرن حامل موشکهای کروز، تسلیحات هدایت شونده و سیستم های دفاع هوایی می‌گردد و در آخرین مورد واشنگتن قرارداد فروش سلاح و تجهیزات جنگی را به ارزش (۲۱۰) میلیارد دلار با جانب ریاض حین بازدید رئیس جمهور ترامپ از آن کشور به امضاء رسانید که در نوع خود در تاریخ تجارت سلاح بی پیشینه بوده است .

بدیهی است که دولتها میتواند باتوجه به اصل حق حاکمیت ، آزادی اراده و حق دولتها در زمینه ارتقای پوتنسیل و ظرفیتهای نظامی آنها ، تسلیحات متعارف را مطابق با استانداردهای جهان معاصر به هدف تأمین امنیت داخلی و منافع ملی خریداری نماید ، اما آیا این حق تحت نام دفاع از امنیت ملی محدود نیست؟ آیا اقدام واشنگتن مبنی بر فروش میلیارد ها دلار جنگ افزار به ریاض مشروع است؟ چه میکانیزمهای محدود کننده در نظام بین المللی درین خصوص وجود دارد؟

بمنظور دریافت پاسخ و تبیین همه جانبه ، این موضوع را در چهارچوب مفاد پیمان بین المللی تجارت اسلحه مصوب سوم اپریل (۲۰۱۳) و قطعنامه مصوب (۱۹۷۵) مجمع عمومی ملل متحد مورد کنکاش قرار میدهم.

پیمان بین المللی تنظیم سلاح که توسط (۱۵۴) کشور مورد تصویب قرار گرفت و ایالات متحده در سپتامبر (۲۰۱۳) بدان پیوست حاوی احکام صریح در زمینه منع و محدود سازی ارسال جنگ افزارها و تجهیزات سبک و سنگین فرا مرزی مانند طیارات جنگی، راکتها، تانکها به دولتها و یا کشورهای است که گمان میرود ازین تسلیحات در راستای تجاوز علیه دیگران ، سرکوب مخالفین سیاسی و نظامی در سطح داخلی و یا به هدف تسلیح و تجهیز گروه های دهشت افکن استفاده مینماید . هکذا این پیمان هرگونه ارسال و تجارت سلاح را به کشوری ممنوع نموده است که در حالت منازعه مسلحانه داخلی و یا خارجی قرارداد، موازی بدان مفاد قطعنامه ملل متحد مصوب (۱۹۷۵) با تجویز منع ارسال سلاح به طرفین منازعه ، محتوی مفاد مندرج در میثاق فوق را وجاهت بیشتر بخشیده است. لذا بر بنیاد مفاد پیمان تجارت سلاح ، سعودی کشوری است که از شامگاه (۲۸) مارچ (۲۰۱۵) زیر چتر ائتلاف جنگی عربی با رزمندگان مسلح حوسی در جمهوری یمن در حال نبرد مسلحانه قرارداد و هکذا به استناد به گزارشات نهادهای بین المللی ناظر بر حقوق بشری ، در جریان حملات گسترده هوایی ارتش سعودی به محلات غیر نظامی تاکنون موارد متعدد از نقض حقوق بشری و جنایات جنگی به آن کشور نسبت داده شده است، رژیم سعودی در چند دهه گذشته در حمایت از گروه تندرو و افراطیون مذهبی در خاورمیانه و جنوب آسیا و آسیای مرکزی متهم بوده که، حمایت از آنها ذریعه قطعنامه های متعدد شورای امنیت ملل متحد ممنوع اعلام گردیده و دولتها ملزم بر رعایت ازان است.

فلهذا ارسال جنگ افزارها در چهارچوب یک قرارداد بزرگ تجارتي به کشوری که عملاً در حال جنگ قرار داشته و خطر رسیدن آن بدست شبکه های فعال تروریستی در حوزه بی ثبات خاورمیانه با توجه به گذشته ظهور، تجهیز و تسلیح این شبکه های فعال دهشت افکن وجود دارد بوضوح متناقض مفاد پیمان بین المللی تجارت سلاح و بی مبالاتی به اصول و هنجارهای پذیرفته شده بین المللی بوده که جز زورگوئی در برابر داعیه صلح و امنیت جمعی تعریف دیگری نخواهد داشت.